

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شعری از چه گوآرا
فرستنده: شفیق نورالهی
۳۰ اگست ۲۰۱۷

آینده

اندوه آدمی را می شوید.
همه چیز
در حال تکامل است،
حیات و
ترانه هستی
همین است.
به یاد می آورم
همین دیروز بود
آسمان هاوانا آبی بود
برای کارگران
از رهائی دربند ماندگان سخن می گفتم.
حالا
اینجا
باران از سفر باز مانده
زمین، شسته
شوق، کامل
دامنه ها، سر سبز

و شادمانی
مشغول زری باقی لحظه به لحظه زندگی ست.
و این همه
زیر نور آفتاب و
آواز پرنده می گذرد.
شکوه آدمی
حلاوت حیات
ترانه هستی...!
هستی همین است و
قاعده همین!
از امروز گفتن و
برای مردم سرودن
دشوار است،
و ما می خواهیم
از امروز و از اندوه آدمی بگوئیم
و غفلتی عظیم
که آزادی را از شما ربوده است بگوئیم.
حکومت می کنند. می دانم!
گلوله را با کلمه می نویسند،
اما وقتی که از کلمات
شقی ترین گلوله ها را می سازند،
چاره چریکی چون من چیست؟
راهگشای آگاهی آدمی ست
و ما نیز
سرانجام
بر سر معنای زندگی متحد خواهیم شد:
کلمه، کلمه نجات! نجات از ظلم! نجات از بربریت
مردم

ترانه ای از این دست می طلبند که ما آزادی ، عزت ، تمامیت می خواهیم
بیانید یک رنگ ، هم سو ، هم روح ، هم فکر و هم گام به خاطر وطن شویم « چه »